

مقدمات گناه غیبت در آیات قرآن



فصل دوم
غیبت در قرآن

یکی از زیبایی های اسلام، دستورات اخلاقی دقیق آن است، آنجا که هر چیزی که آرامش فرد یا جامعه را خدشه دار کند در اسلام به دوری از آن دستور داده شده است و در این میان یکی از مواردی که خیلی در جامعه دینی مهم است، انس ها و الفت ها، همکاری ها و غمخواری ها و در یک کلام نزدیک هم بودن ها و یکی بودن هادر استای رشد و پیشرفت است و هر چیزی که بخواد به این موضوع صدمه بزند در این دین بزرگ از آن نهی شده است.

یکی از سوره های قرآن کریم که به سوره آداب و اخلاق معروف است، سوره مبارکه حجرات است که در این سوره دستورات متعددی در این راستایبان شده است.

یکی از مواردی که در این سوره نورانی قرآن به آن پرداخته شده است و یک مسئله همه گیر در جامعه است، مسئله صفت مذموم غیبت است.

استادان اخلاق در جلسه های وعظ زیاد در باره این صفت نکوهیده و دوری از آن صحبت کرده اند، اما آنچه در این یادداشت کوتاه می خواهیم بیان کنیم، زمینه های این گناه بزرگ است، به سوره حجرات مراجعه کنید و اگر قصد تلاوت این سوره را هم ندارید، ترجمه آن را ببینید، در صفحه سوم این سوره، در آیه ۱۲، قرآن سه دستور مهم در باره چگونگی و نحوه ارتباط ما با دیگران در اجتماع بیان می کند، حتی اینکه چگونه در باره دیگران فکر کنیم، سه دستور پشت سرهم در این آیه آمده است، اول اینکه از گمان بد بردن نسبت به دیگران پرهیز کنید، دوم نهی از تجسس در کار دیگران و سوم نهی از غیبت کردن. گاهی این سه مسئله جدا گانه و بدون در نظر گرفتن رابطه منطقی آن ها به عنوان سه دستور اخلاقی مطرح شده است و حال آنکه در معارف قرآنی باید با تأمل در چینش کلمه ها و جمله ها و آیات و حکمت این چینش، پیوسته پی به معنای دیگر برد، در اینجا هم در واقع دو گناهی که اول از آن نهی شده است، مقدمه گناه غیبت در جامعه است، کسی که به خودش اجازه ندهد در باره دیگری گمان منفی داشته باشد و گمان های مثبت را جایگزین گمان های منفی و منفی ها کند، هیچ گاه وارد مرحله تجسس در زندگی آن فرد برای یافتن اشتباهات و انحرافات احتمالی اونی می شود، اصل بر پرده پوشی است و اگر یکی از صفات بزرگ خداوند را استنار العیوب بودن اومی دانیم و دوست داریم که آن خدای ستار العیوب گناهان و اشتباهات ما را در دنیا و آخرت بپوشاند ما نیز در باره دیگران باید چنین باشیم که گفته اند، خداوند می بیند و می پوشاند، اما مردم نمی بینند و فریاد می زنند.

روایات زیادی داریم که باید بهترین چیزی که می توانی در باره برادر دینی ات گمان کنی یا جمله معروفی که تا هفتاد توجیه باید برای کار کسی بیآوری و علتی بتراشی تا گمان بد را از دیگری دور کنی، یعنی هم خودت و در ذهن خودت این گمان بد را راه ندهی و هم در ارتباط با دیگران به آن ها کمک کنی از این گمان های بد که مقدمه گناه بزرگ غیبت است دور شوند و مرحله بعدی تجسس در عیوب دیگران است که فرمود بالاترین گناه توان است که در مواردی که خودت نیز مبتلا هستی، در باره دیگران عیب جویی کنی و فرمود کسی که پناه بر خدا نبال افشای عیوب مؤمنی باشد خداوند در پی افشای انحرافات و اشتباهات و عیوب او خواهد بود که خلق، عیال... هستند و خداوند از مؤمن دفاع می کند.

بحث در باره این موضوع مهم و مبتلا به بسیار است و روایات زیادی به جنبه های مختلف این گناه و زمینه های آن پرداخته اند که اشاره ای به آن ها شد و فرمود: العاقل یکفیه الاشارة، امیدوارم خداوند بزرگ توفیق ترک این گناه بزرگ را به همه ما عنایت بفرماید و جامعه ما را از این گناهانی که رشته های مہربانی را به شعله های کینه و نفرت و اصطکاک بدل می کند پاک کند.

جایی که اودر آنجانماز خوانده است...

مسجد صمصعه بن صوحان



عصر غیبت، درست همان زمانی است که قدم به قدم سراغ نشانه وردی از امام عصر هستیم. چون می دانیم او هست و در همین هوایی که ما نفس می کشیم، نفس می کشد، او هست، در کنار ما راه می رود، ما را می بیند، صد ایمان را می شنود و برای همه لحظه های سخت و آسان ما دعا می کند. ما نیز همان جمع منتظری هستیم که هر وقت دلمان برایش خیلی تنگ می شود، و سایلما را جمع می کنیم و می رویم قم، مسجد جمکران و درست همان جا روی نیمکت های میان صحن و سرایش می نشینیم و زل می زنیم به گنبد سبز رنگ و گلداسته هایش و دل خوشیم که آنجا، از کنار ما ن ردمی شود. در این روزگار، از همان اولین روز غیبت تا کنون، ما آدم های عادی هر وقت از بزرگی شنیدیم که امامان از جایی گذر کرده، نماز خوانده و مشغول عبادت بوده یا هر چیز دیگر، آنجا بر ایمان عزیز می شود. آنجا برای ما می شود، قدمگاه، خاکش، زمینش، هوایش، دیوار هایش و هر آن چیز که آنجاست عزیز می شود، چرا که شاید او گوشه ای از آنجا را لمس کرده باشد.

مسجد صمصعه بن صوحان، از مساجد قدیم شهر کوفه است. از سید بن طاووس نقل شده است که امام زمان (ع) را در این مکان در حال عبادت دیده اند. ایشان پس از نماز تحیت مسجد، دعای مخصوصی را در آنجا می خوانند و آن روز، خواندن این دعا بعد از دو رکعت نماز، از اعمال این مسجد محسوب می شود. علاوه بر این دعا، دعا های مخصوصی در ماه رجب برای این مسجد نیز ذکر شده است. صمصعه بن صوحان، یکی از اصحاب باوفای امیر المؤمنین (ع) و امام حسن (ع)، سنجوری ماهر و شجاع بود که در همه جنگ های حضرت، ایشان را یاری و همراهی کرده است. این مسجد در چند صد متری ضلع شرقی مسجد سهله قرار دارد و سال ۳۸۶ و ۱۳۸۷ هجری قمری بازسازی شده است و ۱۶۰ متر مربع مساحت دارد.

عدالت در اسلام

کتاب، عدالت در اسلام، نوشته امام موسی صدر و ترجمه سید غلامحسین موسوی است و مؤسسه امام موسی صدر آن را در ۴۶ صفحه منتشر کرده است. در این کتاب به مبحث عدالت و وجوه مختلف آن پرداخته شده است.

برشی از کتاب: عدالت در اسلام، در همه زمینه ها، به ویژه در زمینه اجتماعی و اقتصادی، نه تنها متکی بر ایدئولوژی اسلامی است، بلکه اصولاً خود پایه ای از پایه های ایدئولوژی اسلامی است و تأثیر شگرفی بر موازین و ارکان دیگر دارد.



شاهرانوزس.یر
۳شنبه
۲۱ مرداد ۱۴۰۱
۲۲ مرداد ۱۴۰۱
شماره ۲۷۹۱



سپس شمارا جانشینان آن هادر روی زمین-پس از ایشان-قرار دادیم؛ تا ببینیم شما چگونه عمل می کنید!



نیت خوب، برخاسته از سلامت درون است.

تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۹۲، ح ۱۶۰۱

سوره یونس، آیه ۱۴

ترجمه آیت... مکارم شیرازی

حکیم عدالت

جستاری در مفهوم عدالت در اندیشه مرحوم استاد علامه محمدرضا حکیمی در گفت و گو با امیرمهدی حکیمی مدیرعامل مؤسسه الحیات

عدالت دشواری های خود را نیز دارد و از آنجا که منافع عده ای را به خطر می انداخته، مخالفان جدی نیز داشته است. عدالت در حوزه اجرایی باید از حاکمیت آغاز شود و حاکمیت نیز اجرای آن را از ثروتمندان و سرمایه داران آغاز کرده است و به بقیه جامعه سرایت می دهد.

● **جامعه آرمانی با اجرای عدالت محقق می شود**
وقتی عدالت اجرا شود، جامعه آرمانی یا به تعبیری اتوپیا نیز شکل می گیرد. در این جامعه تمامی حقوق مردم مراعات می شود. جامعه آرمانی اسلامی، جامعه ای است که همه احکام اسلامی و نه فقط احکام موجود در فقه مصطلح، اعم از فقه در سیاست و اقتصاد و اجتماع و خانواده و ... مورد توجه قرار بگیرد و جاری شود. آنجا نیز که بیان می شود، العدل حیات الاحکام، مقصود این است که احکام، کالبد و جسدی است که روح آن عدالت است. نمی شود جامعه آرمانی شکل بگیرد و روح در آن دمیده نشود و روح این جامعه نیز عدالت است. در باره اجرای عدالت، باید در کنار همه ابواب فقهی، مسئله عدالت به صورت جدی و پرنرگ مورد توجه قرار بگیرد و در آن جاری شود. بخش عمده ای از فقه موجود، فقه فردی است و در مجموع، ابعاد اجتماعی در فقه موجود کم رنگ است. در حوزه هایی مانند بازار هم تحولات جدی رخ داده و فقه با عنوان، مکاسب، ناظر به بازار با شیوه ها و مبادلات قدیم بوده است. در دیگر ابعاد اجتماعی نیز همین گونه است. اگر بنا بر آن باشد که عدالت در جامعه فراگیر شود، باید فقه در همه ابعاد آن ورود پیدا کند. نهج البلاغه به عنوان منبع و مأخذ برای اصلاح جامعه و حکومت داری مطرح است و حضرت امیر (ع) در زمان حیات خود و به ویژه در دوره حکومت، مسائل مختلفی را مطرح کرده اند، اما این تجربه گران سنگ در کجای فقه جای دارد؟ ضمن اینکه روایات فراوانی از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نیز وجود دارد که می بایست به ابواب فقط افزوده شود و در کنار آن، مسائل مستحدثه و دوران جدید نیز مورد توجه قرار بگیرد. با این نگاه فقهی می بایست گستره های متعدد و فراوانی پیدا کند و در کنار آن، به عدالت به عنوان یک روح حاکم توجه شود.

● **موضوع عدالت در همه آثار استاد حکیمی جریان داشته است**
استاد حکیمی بیش از همه آثار خود در «الحیات، به موضوع عدالت توجه داشته است. در «خورشید مغرب، به عدالت در حکومت حضرت حجت پرداخته شده است یا وقتی از قیام سیدالشهدا (ع) و عاشورا نیز سخن می گویند، عاشورا را یک شبانه روز و نه یک نیمروز می دانند که از شب تا صبح، ابعاد توحیدی حضرت سیدالشهدا (ع) مطرح می شود و در روز است که شعارهای عدالت محور و اصلاح امت را مطرح می کنند. به عبارت دیگر، عاشورا را ادامه و امتداد دعوت انبیایی می دانند که دعوت به توحید و عمل به عدالت در آن مطرح می شود و بین این دو نیز رابطه عرضی و نه طولی وجود دارد. آنچه که در برخی از روایات مطرح می شود که، کاد الفقران یکون کفرا، به معنای آنکه وقتی فقر بیاید ایمان نیز از بین می رود، ناظر به همین موضوع است. اساس دعوت انبیا، دعوت به توحید است و در کنار آن از عدالت نیز سخن گفته اند. در ظهور حضرت حجت (ع) نیز بیان می شود که بهماً الأرض عدلاً و قسطاً، و باز موضوع عدالت مطرح می شود و اینکه امام عصر (ع) برای آن می آیند که زمین را پر از عدل و داد کنند و عدالت را برپا کنند. اصلاً همین فقدان عدالت است که مانع از شکل گیری و گسترش توحید می شود و مردم به صلاح برسند و عدالت، شرایط رشد بشری را فراهم می کند.



طرح: مهتاب جعفری

● **عدالت اسلامی، حتی با حضور غیر معصوم هم دست یافتنی است**
در اندیشه استاد حکیمی، تمامی مباحث مربوط به عدالت، اجرایی و عملی است، البته برخی در این میان می گویند فقط معصومین (ع) قادر به اجرای این عدالت هستند. حال آنکه استاد حکیمی موضوعی با عنوان، حکومت مسانخ، را مطرح می کنند و با اشاره به عهدنامه مالک اشتر، می گویند، حضرت امیر (ع) به مالک اشتر به عنوان یک حاکم اسلامی توصیه هایی داشته اند و از آنجا که معصوم (ع) نیز تکلیف به مالایطاق نمی کند، بنابراین این مسائل از عهده غیر معصوم نیز خارج نبوده و قابلیت اجرا داشته است.

این موضوع با عنوان حکومت مسانخ و نزدیک به معصوم (ع) تلقی می شود و اکنون نیز غیر معصوم می تواند به آن پایبند باشد. عهدنامه مالک اشتر می تواند ملاک قرار داده شود و مورد توجه قرار بگیرد و اجرایی و عملیاتی شود، البته اجرای

«مالکیت، پذیرفته نمی شود و در اختیار دولت قرار دارد. اما این موضوع در نگاه اسلامی مردود است. اسلام مالکیت را می پذیرد و تساوی در مالکیت نیز در آن وجود دارد. اسلام یک اقتصاد میانه و حد وسطی دارد که در کنار اینکه اصالت مالکیت را در اختیار خدا می داند، مالکیت افراد را به رسمیت می شناسد. اگر مالکیتی وجود نداشته باشد، انسان ها کار و تلاشی نیز نخواهند داشت و همین مالکیت به انسان انگیزه تلاش می دهد. از سوی دیگر، مالکیت لجام گسیخته نیز در نگاه دینی نهی شده است و این گونه نیست که از هر راه و روش و به هر میزانی این مالکیت حاصل شود.

در برخی روایات، محدوده ای هم برای همین مالکیت معین شده است. ضمن اینکه در مصرف نیز اسلام مالکیت را محدود می داند و از اسراف و تبذیر و ایجاد فاصله های طبقاتی بر حذر می دارد.



به گفته استاد حکیمی: اگر بنا بر آن باشد که عدالت در جامعه فراگیر شود، باید فقه در همه ابعاد آن ورود پیدا کند



برای خدا کارکن

برابر با عبادت گرفته شده است و در مقابل این اولیاء الهی تنبلی را بسیار نکوهش کرده اند. در ادامه هم نظرات ایشان را مرور می کنیم.

کار دشوار بهتر است

پیامبر خدا (ع): برترین کارها، دشوارترین آن هاست.

تنبلی باعث محرومیت است

امام علی (ع): یکی از عوامل محرومیت؛ سستی در کار است.

بهترین کار

امام علی (ع): برترین کار، کاری است که برای خدا باشد.

در کار مداومت داشته باش

پیامبر خدا (ع): برترین کار، با دوام ترین آن هاست، هر چند اندک باشد.

خدا تنبلی را دوست ندارد

امام کاظم (ع): خدا بنده پر خواب و بیکار را دشمن می دارد.

بیکاری فساد می آورد

امام علی (ع): اگر کار، سخت و طاقت فرسا ست، بیکاری دانی هم فساد آور است.

چنین کنند
بزرگان